

دیده شد که باز باندازه سه چهار صفحه زیاد است. مجبور شدیم صکه قسمتهای جدیدی را حذف کنیم تا بقیه در ۱۸ صفحه محدود بگنجد. باین لحاظ خیلی از عرض و طول آنها کم شد بدون اینکه چندان از حجم معنوی آنها کاسته شود. در حقیقت اگر در کمیت آنها نقصانی راه یافت در کیفیتشان خللی روی نداد. دیگر آنکه در تمام این حذفها که شده نظر بیطرفی داشته ایم و سعی کردیم که قسمتهای حذف شده در نقطهای مبارزین سیاسی از تمام جهات بیک نسبت باشد. اگر با وجود این درکار ما قصوری شده باشد نیت ما بیطرفی کامل بوده است. البته در این قضایا از حیث عقیده بی طرف نیستیم، ولی در نقل نقطهای ناطقین رعایت بیطرفی کامل را لازم دانستیم و عقاید خود را جداگانه موقع مناسبتری بیان خواهیم کرد. (د. ا.)

حمله آقای دکتر مصدق

بنده هیچ نمیخواستم که روزی در مقابل پروگرام کابینه حضرت آقای مستوفی الممالک ذرهای مخالفت تمام و لی متأسفانه تشکیل این کابینه از ابتدا طوری شده است که بنده با آن موافق نبودم و اکنون هم در پروگرام آن نمیتوانم موافقت نمایم. پروگرام یعنی تعیین خط مشی، پروگرام یعنی پیش بینی امور مفید و ممکن الاجرا. هیچ پروگرامی قاعدتاً بد نوشته نمیشود و لو اینکه پیش نهاد کننده نیت خوب نداشته باشد بلکه معمولاً پروگرامها بر از مواد مشعشع و درخشان است لذا بنده به پروگرام چندان اهمیت نمیدهم و در مجریان آن قضاوت مینمایم. اگر پروگرامی عالی نباشد چنانچه مجریان مواد آن متخصص و صلاحیت داشته باشند نتیجه فوق مطلوب خواهد شد. برخلاف اگر پروگرامی از آن بهتر نباشد ولی مجریانش صلاحیت نداشته باشند اجرای آن مفید واقع نمیشود و گاه برخلاف مطلوب نتیجه می بخشد در ممالک خارجه هر وقت وضعیات فوق العاده است کابینه دولت از اشخاص مختلف المسلک تشکیل میشود تا اینکه نظریات احزاب سیاسی در یکجا مرکزیت یافته و بواسطه اجتماع نمایندگان قواء مختلف اجرای پروگرام سهل و مملکت از بحران های سیاسی نجات یابد ولی دیده نشده که کابینه

پروگرام
و کابینه

از اشخاصی تشکیل شود که بعضی به بقاء و تعالی مملکت عقیده مند بوده و بعضی نباشند. معلوم نیست که در چنین کابینه مسئولیت مشترک چگونه محفوظ و پروگرام چطور اجرا میشود کدام يك از این دو دسته نظریات دیگری را تعقیب مینمایند. در جلسه قبل بنده میخواستم که عدم موافقت خود را نسبت به دوفتر از اعضای این کابینه ' آقای وثوق الدوله و آقای فروغی ' عرض نمایم

آقای فروغی که بسمت وزارت جنگ معرفی شدند مرتکب اعمالی شده اند که بعضی را در موقع عرض میکنم
 آقای فروغی
 و در این جلسه فقط بدو مراسله که مطابق اطلاعات من
 بسفارت خانهای دول مجاور نوشته اند میپردازم.

اول مراسله ایست که بسفارت دولت شوروی نوشته و موافقت خود را در قضاوت دعاوی اتباع آن دولت در اداره محاکمات وزارت خارجه اظهار نموده و بعبارة اخیری عهدنامه ترکمن چای و برقراری کاپی تولاسیون را تجدید نموده است. . . . (سفارت روس و آقای مستوفی بعداً تکذیب کردند - آینده)
 دویم مکاتبه ایست که فروغی بسفارت انگلیس نموده و در آن قریب بیست کرور تومان دعاوی آن دولت را نسبت به ایران تصدیق کرده است. حقیقت چقدر معامله خوبی است که بعضی برای اختناق و فروش ایران پول بگیرند و آقای فروغی اصل را با فرع تصدیق نماید. اگر در سایر ممالک وزیرها بهیچ سفارتي مکاتبه نمیکشند و بهیچ سفارتي سند نمیدهند مگر اینکه بعد از تصویب مجلس باشد متأسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول محضی این قبیل نوشتجات میشوند تا بعد مجلس تصویب نماید بعبارة اخیری اول ریش دولت را بدست میدهند تا بعد ریش ملت هم بدست آید.

فروغی چون تصور مینمود که وزراء کابینه اش موافقت نمایند مطابق اطلاعات من این نوشته جات را بدون اطلاع آنها صادر نموده « چند نفر صحیح است » چنانچه غیر از این است آقایان نمایندگان که در کابینه ایشان وزیر بوده و امروز در مجلس حاضرند تکذیب فرمایند. چی

سبب است که فروغی تا ایندرجه در خیانت نجا نماند؟.....

فروغی را بعد از این اعمال در رأس قواء دفاعیه مملکت قرار میدهیم که با این عقیده حافظ و مدافع مملکت باشد و در آئینه صلاح خود را در این رویه و رفتار بداند و اگر دفعه دیگری ریاست وزراء رسید آخرین چوب حراج را زده باشد «یکی از وکلا - فروغی باید تسلیم دار مجازات شود» که اینکه از اول عصر جدید ایران تا کنون فروغی بواسطه همین اوصاف ضرری ندیده و همیشه در کار بوده و بلکه گاهی هم مثل امروز غیر از وزارت یکی دو کار دیگر، ریاست دیوان تمیز و ریاست مدرسه حقوق، را ذخیره نموده که اگر از مقام وزارت کناره جوئی کرد باز مملکت از آثار وجودیه ایشان مستفیض شود! «صحیح است». مکاتبات فروغی چون مخالف عهد نامه ایران و روس و بر خلاف قانون اساسی است بنده بآنها وقتی نمیگذارم «نمایندگان صحیح است» و کان لم یکن میدانم فقط از آقای رئیس الوزراء سؤال می نمایم که آیا آدم بیکار صحیح العمل و وطن دوست در مملکت نیست که باید فروغی در مسافرت هم وزیر بوده و از حیثیات این مقام استفاده نموده و حقوق آن را دریافت نماید؟ آیا این رویه مشوق خیانت نیست و آیا این طریقہ وطن خواهان را مأیوس نمی نماید؟

اما نسبت باقاي وثوق الدوله که در صدر قوه

آقای وثوق و قرارداد قضائیه واقع شده اند بیدمناسبت نیست عرض

کنم و قتی که بنده در شیراز بودم روزی که

فونسول انگلیس برای امور اداری نزد من نشسته

بوده از آقای سید ضیاء الدین بیانیه ای رسید پرسید چه نوشته گفتم که

قرار داد را لغو کرده است خندید و گفت در انگلیس يك ضرب المثلی

است که میگویند گربه مرده را کسی چوب نمیزند قرار داد مرده بود و

حاجت لغو کردن نبود

شی آقای مستوفی الممالک به من فرمودند عقیده آقای وثوق الدوله

این است که قرار داد در صلاح مملکت بسته شده و حاضرند که در مجلس از این عقیده دفاع نمایند. عرض کردم عقیده ملت ایران که خود حضرت تعالی هم یکی از افراد هستید غیر از این بود

چون جزائیون معتقدند که اگر کسی چند فعل خلاف نمود باید او را برای فعلی تعقیب کرد که مجازاتش در قانون بیشتر باشد بنده به بزرگترین خیانتی که ایشان مرتکب شده اند میپردازم که قرار داد است. قرار داد یعنی تسلیط دولت مسیحی بر دولت مسلمان و بزبان وطن پرستی اسارت ملت ایران آقای وثوق الدوله برای اینکه تیرشان خطا نکند برخلاف اصل ۲۴ قانون اساسی « در این موقع حالت گریه بر ایشان دست داد » که میگوید « بستن عهد نامه ها و مقاوله نامه ها و اعطای امتیازات انحصار تجارنی و صنعتی و فلاحی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد » قبل از تصویب مجلس قرار داد را اجرا نمودند و اجراء هر قرار دادی قبل از تصویب برخلاف این اصل است زیرا تصویب مجلس يك امر تشریفاتی نیست که در موضوع مؤثر نباشد بلکه برای این است که مقاوله نامه های مضر را رد کنند و اعتبار ندهند. پس هرگاه يك قرار دادی قبل از تصویب مجلس اجرا شد و مجلس آن را رد نمود و خسارتی متوجه طرف قرار داد شد جبران خسارت با کی است؟ یا امضا کنندگان قرار داد باید جبران کنند یا طرف قرار داد می تواند باعتبار امضای وزراء خسارت را از دولت بخواند؟ باین لحاظ هیچ قرار دادی بدون تصویب مجلس شورای ملی معتبر نیست و سندی هم که اعتبار ندارد نمیتوان آن را اجرا کرد. توضیحاً عرض میکنم که فایده قرار داد انقدر محرز شده بود که حتی در آن تصویب مجلس را هم قید نمودند و باز برای اینکه تیرشان کار گر شود بغصب حقوق ملت مبادرت کرده در انتخابات مداخله و عده از وکلاء مجلس را از نظر تصویب قرار داد تعیین نمودند. چه قدر فرق است بین سید سالار و وثوق الدوله که از سید سالار وقتی دولتین تقاضای برقراری

کنترل نمودند با اینکه دارای معلومات وثوق الدوله نبود نوشته کنترل را بنوشتن عبارت « بواسطه فورس مازر» امضا میکنم، وطی نمودن مراحل اداری طوری بی اثر کرد که از او صرف نظر کردند و برای تحصیل اسناد دست توسل بدامان وثوق الدوله دراز نمودند ولی آقای وثوق الدوله تمام هوش و معلومات خود را صرف نمودند که یا چیزی بخارجه ها ندهند و یا اگر میدهند طوری شود که مؤثر باشد از روی این نظریه اقداماتی قبل از قرارداد و بعد از قرار داد فرمودند که بر خلاف قانون و اخلاق و مصالح مملکت بود. آقای وثوق الدوله در تمام ادوار زمامداری خود ضربه مهمی باخلاق مملکت وارد نمودند..... آیا دستگیری ۱۷ نفر از معترضین اعمال ایشان در مجلس روضه و در خانه خدا یعنی مسجد شیخ عبدالحسین و خارج و حبس چندین ماهه آنها در محبس قزوین که مقصودشان تهدید جامعه برای زمینه عقد قرار داد بود مخالف قانون نیست؟

آیا پولهایی که برای دادن امتیازات و قرارداد به ایشان رسیده موجب نیست که ایشان را بمجازات این مواد محکوم و از حق وکالت محروم نماید؟

آیا وثوق الدوله مشمول ماده ۷۲ نیست که میگوید «هرگاه شخصی بادل خارج یا مأمورین آنها داخل در اسباب چینی شود یا آنها را بخصومت یا جنگ بادولت وادار نماید یا وسایل آرا برای آنها فراهم آورد محکوم بمحبس دائم در قلاع خواهد گردید حکم مزبور مجرا خواهد بود ولو اینکه اسباب چینی او مؤثر واقع نشود»؟

آیا مذاکرات (لاسنیک) (Lansing) وزیر خارجه دول متحده امریکای شمالی در پاریس به تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۱۹ که اینطور گفته « امریکا بیهوده کوشش کرد که هیئت ایران در پاریس در انجمن صلح حضور بهم رساند و مطالب و مقاصد خود را اظهار نماید و حتی سعی نمایندگان ملیون ایرانی هم در پاریس برای مذاکره بالرذ کرزن بجائی رسید در این اثنا سفیر انگلیس در طهران بایک دسته کوچکی از سیاسیون يك عهد نامه مخفی بست این دسته

کوچک سیاسیون فوراً پس از عقد صلح اداره امور را بدست آورده بودند و هیئت ایرانی که در پاریس بود از کار افتاد و منحل شد خلاصه يك بازی خطرناك و محرمانه در آورده شد « کاشف از اسباب چینی نیست ؟ بموجب این مذاکرات دسته کوچک سیاسیون قرار داد را قبلاً مخفیانه بسته اند ولی چون زمینه ابراز حاضر نبود آنرا در ۹ اوت ۱۹۱۹ افشا نموده اند با اینکه آقای وثوق الدوله میدانستند اگر آبادی مملکت بدست ملل دیگر برای اهل مملکت مفید بود هر ملتی برای رفع زحمت و جلب فایده که یکی از اصول مهمه اقتصادی است اجنبی را بخانه اش دعوت میکرد اگر رفیت خوب بود هیچ ملتی نمیخواست بعد از اسارت باجنگهای خونین و تلفات سنگین طوق رفیت را رها نماید و باینکه دیده اند اگر کسی ده خرابی را خرید و آباد کرد نسبت بمالکین سابق خوش بین نیست و هیچوقت نمیخواهد که آنها بانی از ابواب شرایع را بخوانند و معنی غبن را بدانند بلکه میل دارد همیشه در جهل بمانند و ادعائی ننمایند

یکی از دوستان آقای وثوق چند روز قبل به بنده میگفت

موقعیت مملکت در آنوقت ایشانرا بعقد قرار داد
مجبور کرد زیرا در آن ایام قشون انگلیس قفقاز
و بین النهرین را متصرف بود و حتی در خود

چهار دلیل برد
قرار داد

ایران هم قشون دولت مزبور اقامت داشت لذا هر کس غیر از ایشان بعقد قرار داد ناچار بود بنده با ع دلیل او را محاب نمودم . اولاً تصرفات قشون انگلیس در بین النهرین و قفقاز يك تصرفات دائمی بود و فقط از نظر پدش آمد جنگ بین المللی بود کما اینکه قشون دولت مزبور قفقاز را تخلیه کرد و رفت . ثانیاً تصرفات يك دولتی در حدود مجاور و اقامت قشون او در داخله مملکت دلیل نیست که ما را تسلیم نماید . بواسطه ضعف و ناتوانی عملاً ممکن است تسلیم شد ولی نوشته

تسلیم را نباید امضاء کرد فرضاً هم که مملکت دچار تهدید بود دائمی نبود ایران در این عصر جدید خیلی دچار تهدید شده ولی استقامت باعث نجات او گردیده است حرف شما مثل اینست که جمعی در کین قتل کسی باشند و او قبل از کشته شدن انتحار نماید. اگر کسی مقتول شد ورثه میتواند از قاتل دیه بخواهد ولی اگر کسی خود را کشت باید جهنم را طواف نماید. هر تصرفاتی که بی مدرک شد غاصبانه و جای حرف باقی است ولی هر تصرفاتی که از روی ملاک شد جای سخن نیست مگر اینکه یکی از جهات قانونی بی اعتباری ملاک ثابت گردد. تشخیص حسن سیادت و قبح اسارت چیزی نیست که معلومات عالییه بخواهد این مطلب مثل الكل اعظم من الجزء از بدیهیات اولیه است و با اندک فهمی هر کسی میداند که حکومت داشتن در يك ده خراب بهتر از اسارت در يك مملکت آباد است. بنا بر این هر ایرانی که دیانت مند است و هر کسی که شرافت مند است تا بتواند باید روی دواصل از وطن خود دفاع کند و خود را تسلیم هیچ قوه نماید که یکی از آن دواصل اسلامیت است و دیگری وطن پرستی. ثالثاً بنده نمیتوانم قبول کنم که آقای وثوق الدوله مجبور بود زیرا ماده اول قرارداد در خصوص استقلال دولت ایران حاکی است که ایشان با يك عبارات فریب دهنده خواسته اند طبقه عوام ملت را اغفال نمایند ولی خوشبختانه زود معلوم شد ملتی که قشون و مالیه اش دست دیگریست استقلال ندارد. رابعاً بنده نمی توانم مجبورت ایشان را تصدیق کنم زیرا شخصی که پول گرفت راضی است و او را نمی توان مجبور دانست کما اینکه سپهسالار که پول نگرفته بود قید «فورس ماژور» را در نوشته کنترل نمود مجبورت خود را ثابت و نوشته را بی اعتبار کرد. در جواب من مستمع گفت ادله شما صحیح است خصوصاً اینکه مسئله پول زبان ما را الکن می نماید....

ای نمایندگان چشم ملت ایران سیاه شد بسکه از بعضی رجال
خطا کاری و خیانت دید و ای برکزیدگان همان چشم از انتظار سفید
شد از بس محاکمه رجال وطن فروش را ندید. در مملکتی که مسؤولیت
وزراء نمودی بی بود و در مملکتی که اهلس این درجه فراموش
کارند از خائنین خیانت به همه سرایت مینماید
این دفعه سوم است که آقای وثوق الدوله بواسطه عملیاتشان از
صحنه سیاست دور شده و باز پاك میشوند
اشخاصی مثل آقای مستوفی الممالک مکلفند که اصل مجازات و مکافات را
عملاً رعایت کنند تا اینکه دست خائنین از کار کوتاه شده و دیگران بخدماتی که
میکنند در آتیه امیدوار باشند .

ولی متأسفانه عدم رعایت این اصل

اوضاع حاضره موجب تشویق خائنین و یأس خادمین خواهد

شد خصوصاً اینکه وضعیات امروز با دوره قرار داد

طرف مناسبت نیست زیرا عناصر متنفذ مرعوب و عامه بفرق مبتلا گردیده اند
حکومت نظامی و سانسور مطبوعات و آزاد نبودن اجتماعات که بهترین وسایل
اختناق است بخود صورت عادی گرفته و وسایل فقر و تنگدستی از هر جهت
فراهم گردیده است. چنانچه کسی از مرکز مملکت بخواید باطراف نزدیک
برود باید چند روز برای اخذ جواز معطل باشد. قبل از تشکیل کابینه و
مجلس که آقای رئیس الوزراء می فرمودند کار را فقط برای اجرای قانون
اساسی قبول میکنند بنده بآتیه خیلی امیدوار بودم ولی با کمال تأسف میبینم
که آنچه فرموده اند فراموش شده و متابعت شخصی مثل ایشان از این رژیم
بنده را بی نهایت نسبت بآتیه مایوس می نماید. چه قدر فرق است که اگر
مأموری مایملک کسی را گرفت جرئت سخن نباشد تا ایام قرار داد که با آن
همه لیره ها و حبس ها و قتل های بدون محاکمه و تبعید رجال وطن پرست
باز در مردم رمقی بود که با قرار داد مخالفت نمایند. امروز نه تنها اوضاع
داخلی طرف مناسبت نیست بلکه اوضاع بین المللی را هم نمی توان بان ایام